

زنان در ژاپن، دیروز و امروز

ژاپن قدیم

تقریباً در همه جوامع ابتدایی، زنان وضعی بالاتر از زنان امروز داشته‌اند. ژاپنهای باستان نیز فضیلت زن را مانند قبایل بدوی محترم می‌داشتند. گفته‌اند که ژاپن «کشوری است که بی‌زنان هرگز نمی‌تواند سر از خواب بردارد» (ترجمه مانیو شو از Suga، ص ۴۰۹). پس، ژاپن شاید سرزمینی بوده که موقع اجتماعی زنان آن همپایه یا بالاتر از مردان بوده است؛ به عبارت دیگر «جامعه مادرسالار»، که دیرزمانی چنین بوده تا که این میراث اجتماعی به جامعه دوره نارا (سالهای ۷۱۰ تا ۷۸۱) رسیده و سرانجام، در میانه دوره هیان (سالهای ۷۹۴ تا ۱۱۸۵) این نظام سرکوب یا در واقع مغلوب برآمدن طبقه بؤشی (رزمندگان) و امیران تیولدار آن شده است.

در تاریخ ژاپن ده ملکه یا امپراتریس فرمانروایی داشته‌اند که هشت تای آنها در دوره نارا بودند، و از آن میان ملکه سؤیکو (سی و سومین فرمانروای ژاپن، سالهای ۵۹۳ تا ۶۲۸ میلادی)، نخستین امپراتریس ژاپن.

از شعرهای کتاب هشتم مانیو، شوه (نخستین مجموع شعری ژاپن که در سده هشتم میلادی تدوین شده) پیداست که در دوره تاریخی نارا عادت این بود که مردان به دیدار زنان بروند. نمونه‌هایی از شعرهای این مجموعه که رابطه ازدواج را در دوره نارا نشان می‌دهد، به روشنی نمودار صحنه‌های انتظار مردان در فراق زنان در سفرهاشان، یا گشتن و گذراندن آنان در کوی معشوق است.

در ادب ژاپن از افسون زیبایی و گیرایی زنان و شیفتگی مردان سخن بسیار آمده است در «تسوره زوره گوسا»، یادداشت‌های راهب بودایی صاحب‌دلی در سده چهارده میلادی چنین می‌خوانیم: «آنچه که بیش از هر چیز زن چشم مرد را می‌گیرد، گیسوی دلربای اوست. اگر هم زن در پس پرده‌ای از چشم نهان باشد، منش او را از سخنش توان فهمید. کوچکترین رفتار زن، همان خوابیدن و نشستن او، مگر که دل از مرد بریاید... چندانکه از سر جان نیز بگذرد. مرد در شیدایی کوه را بشکافد و کارهایی کند که هیچگاه از او برنیاید... گفته‌اند که زن به تار مویی پیل گران را هم آسان از پی خود بکشاند: و گوزنهای نر به هنگام پاییز چون خش خش کفش چوبی دختری را در راه بشنوند، به زبان آیند.» (قطعه ۹)

کینکو، این بودایی وارسته نیز مردان را سفارش می‌کند که جای و پایه خود را در برابر زنان نگهدارند، و سبکسری نکنند: «مردان باید چنان بار آیند که هرگز زنی به آنها نهند.»

«... وزیر دست چپ گفت: در برابر نگاه کنیزکی هم احساس شرم و ناراحتی می‌کنم...»

«شاید که انسان به این اندیشه شود که زنان باید چه مخلوق شریفی باشند که مرد را چنین به شرم و بیم اندازند. اما زنان همه بطبع خود سرنده و بس خودبین، به نهایت سمج و بی‌اعتنا به هرگونه منطق... با این همه، آنجا که تو را عشق در کار باشد، و چشم‌پسته دنبال دل و در پی محبوب روی، زن را سراپا لطف و شورانگیز یابی.» (قطعه ۱۰۷)

آئین بودا

وضع زنان و موقع و مقام آنها در خانواده و اجتماع از زمینه و مایه‌های فرهنگی و اصول رفتار و روابط انسانی حاکم بر جامعه برآمده است. در نوشته‌های بودایی داستانی است از اندرز بودایی به زنی هوسباز، که انتظاری را که از زن خوب و همسر شایسته می‌رود باز می‌گوید: «سؤجاتا، عروس جوانسال آناها پیندادا، بازرگان ثروتمند، سری پرغرور داشت، دیگران را حرمت نمی‌نهاد و به امر شوهرش و پدر و مادر او گوش نمی‌داد، و به این مایه ناسازگاری در خانه روی نمود. «روزی بودا به دیدن آناها پیندادا آمد، و این حال را دریافت، او عروس جوان را نزد خود خواند و به مهر با او به گفتگو نشست، و گفت:

«سؤجاتا، زنان هفت گونه‌اند: یکی همسری است همچون آدمکش. چنین زنی دل و اندیشه

ناپاک دارد، شوهر را حرمت نهد و، در نتیجه، دل به مرد دیگر دهد.

«دیگر همسری است مانند راهزن. چنین زنی هرگز به رنج شوهر در کار پی نبرد، و همه در پی

تجمل باشد. این زن دسترنج شوهر را در راه ارضای هوس خود هدر دهد، و با این کار در واقع مال او را بدزد.

«دیگر همسر سلطه‌جوست که همچون صاحب‌کار است. او با شوهر درستی کند، به

خانه‌داری نرسد، و همواره شوهر را با سخنان سخت ناسزا و آزار دهد.

«دیگر همسری است همچون مادر. او از شوهر چنانکه از کودکش پرستاری کند. ازو چنان نگهداری و حمایت نماید که مادری پسرش را، و در هزینه کردن درآمد او ملاحظه کار است. دیگر همسری است مانند خواهر. او به شوهر وفادار است و بسان خواهری، به نرمی و فروتنی مرد را خدمت کند.

«دیگر همسری است بسان دوست، او بکوشد تا شوهر را چنانکه گویی دوستی است پس از سالها باز آمده، خوشحال دارد. چنین زنی فروتن باشد و رفتارش بیجا و درست است، و شوهر را ارج بسیار نهد.

«سرانجام، گونه هفتم از زنان، همسری باشد همچون خدمتکار. او شوهر را به خوبی و وفاداری خدمت نماید، او را حرمت نهد، او امرش را انجام دهد، برای خود چیزی نخواهد، نه احساس ناخوشایندی در سینه و نه رنجشی در دل دارد، و همواره در اندیشه و تلاش شاد ساختن شوهر باشد.»

«آن وجود مبارک پرسید: سو جاتا، تو از زمره کدام یک ازین همسرانی، یا می خواهی از کدام نمونه باشی؟»

«سو جاتا به شنیدن سخن آن وجود مبارک از رفتار گذشته خود شرم آورد و پاسخ داد که می خواهد زنی از نمونه گروه هفتم، یعنی همسر خدمتکار گونه، باشد او منش خود را برگرداند و یار و مددکار شوهر شد، و آن دو با هم در پی معرفت شدند.» (چنین گفت بودا، صفحه های ۲۶-۲۲۴)

سده های میانه

به موجب قانون یو.رو. Yoro (سال ۷۱۸) که در اصلاح مقررات دوره تایهوء Taiha (۷۰۱) وضع شد و عمدتاً تا آغاز دوره تجدد ژاپن در نیمه دوم سده نوزده برقرار بود، ژاپن به ایالات تقسیم شد و هر ایالت زیر فرمان یک والی (کامی Kami) بود. او به ظاهر نماینده دربار بود و همه اختیارات مذهبی، کشوری، لشکری و قضایی را جمع داشت، و دستیارانی هم در هر ناحیه داشت. اما در عمل و واقع، حکومتهای ایالتی و ناحیه ای مرجع جمع آوری مالیات شناخته می شد. یکی از وسایل تحصیل مالیات نگهداشتن دفاتر و ثبت سجل مردم بود. از جمله مقررات احوال شخصی اینها بود:

- افراد ذکور در سن ۱۵ و افراد اناث در سن ۱۳ می توانستند ازدواج کنند.
- دختر پیش از ازدواج باید رضایت خانواده را حاصل می کرد.
- پس از وقوع عقد ازدواج اگر تا سه ماه و بی دلیل موجهی عروسی سر نمی گرفت می شد آنرا فسخ کرد. همچنین بود در غیبت طولانی یکی از دو طرف.
- شوهر می توانست به یکی از هفت موجب زیر زن را طلاق بدهد: فرزند ذکور نیاوردن، بی عفتی کردن، نافرمانی کردن نسبت به پدر و مادر شوهر، دزدی کردن، حسدورزیدن، دچار بودن به

بیماری بدخیم، و زیاد حرف زدن.

در همه این موارد شوهر باید طلاقنامه‌ای می‌نوشت که والدین و خویشاوندان نزدیک هم آنرا مهر یا امضاء می‌کردند. اما در هر کدام از سه مورد زیر نمی‌شد زن را راند:

- اگر در فاصله ازدواج تا این تاریخ وضعیت خانواده اعتلا و ترقی پیدا کرده بود.

- اگر زن در مدت عزاداری درگذشت پدر یا مادر شوهرش که در آن مدت شوهر نمی‌توانست

کار بکند به خانه و زندگی رسیده بود.

- اگر زن کسی را نداشت (خویشاوندی یا نگهدارنده‌ای) که پیش او برود. اما اگر زن جرم و گناه

عمده‌ای از نافرمانی یا بی‌عصمتی کرده بود یا بیماری سختی داشت این ارفاق در حالش نمی‌شد.

پس از برآمدن طبقه رزمندگان که زارعان و رعایا و طبقه‌های دیگر اجتماع زیر دست امیران

ولایات و فرمانروایان تیولدار و ملازمان و رزمندگان آنها (سامورایی) افتادند، به حقوق انسانی

زارعان کوچکترین توجهی نمی‌شد، و اگر همسر کشاورز کمک او در کار تولید نمی‌بود شوهر را

سخت سفارش به طلاق می‌کردند. مقرراتی که حکومت لشکری ژاپن در سال ۱۶۴۳ برای

روستائیان وضع کرد، ضمن منع آنها از ساختن خانه بالاتر از شان و حد خود، خوراک و پوشاک آنان

را بطور دقیق معین می‌کرد. جایی برای تفنن و تجمل، که از بنیه مالیات‌دهی کشاورز می‌کاست نبود.

دستورالعملی که نائوئه کانه تسوگو از ملازمان اوئه سوگی امیر ایالت آیزو در سال ۱۶۱۹ برای

کشاورزان نوشته است، روش آربابان را نسبت به رعایانشان می‌دهد. در این دستورالعمل درباره

زنان رعایا چنین آمده است:

۱- آرباب امارت خود را چون خورشید و ماه بدان. تیول‌دار (جیتوه) یا عامل (دای‌کان) ملک

مزروعی خود را چون خدای حافظ (اوجی گامی) محل خویش محترم بدار. کدخدای (کیمویری)

روستای خود را چون پدرت انگار.

۲- در پنج روز اول سال نو، به دیدار و ادای احترام به اطرافیان برو. ظرف پانزده روز اول

سال، رشته و ریسمان کافی برای انجام وظایف بزرگ و کوچک (بیگاری سالانه) درست کن. پس از

این پانزده روز، هنگامیکه کوهها و مزرعه‌ها از برف پوشیده است، هیزم لازم برای آنسال جمع کن.

برای پاشیدن کود حیوانی در زمین از سورتمه استفاده کن. شبها برای اسبان نعل بساز. دختران و

همسران باید از کتف برای مردانشان جامه بدوزند و بیافند. اگر زن خانه زیاده از حد چای برای

پذیرایی از دیگران درست می‌کند، یا در غیاب [مردان خانه] اینجا و آنجا می‌رود و به گفتگو

می‌گذراند، حتماً با کسی سر و سری دارد. حتی اگر شوهر از او فرزندی داشته باشد، باید چنین زنی

را براند.

۵- در ماه چهارم سال، مردها باید از صبح سحر تا شب در مزرعه‌ها کار کنند. و زمین را به

عمقی که خیش فرو می‌رود، شیار کنند. زنان و دختران باید سه بار در روز غذا درست کنند، پارچه

قرمزی دور سر بپسند و غذا را سر مزرعه ببرند. آنها، از پیر و جوان، باید خوراک را برابر مردانشان

که از کار مزرعه خسته و چرکین شده‌اند، بر سفره بچینند. مردان، چه پیر و چه جوان، با دیدن همسرانشان... شاید که چنان به شوق آیند که خستگی را از یاد ببرند. شب که مردها از کار به خانه برگشتند. زنان برای استحمام آنها آب آماده کنند، تا پاهایشان را بشویند. زن برادرها و دختر عموها پاهای ترک‌خوردهٔ مرد را بر شکم زنش بگذرانند و مالش دهند تا او رنج کار روز را از یاد ببرد.

۱۳- در طول ماه دوازدهم سال، اگر آگهی مالیات پس‌افتاده‌ای از تیول‌دار یا محصل مالیات آمده باشد، آنرا زود بپرداز.

اگر در پی آگهی و اخطار، مالیات پرداخته نشود، شاید که زن عزیزت را به جای وجه‌الضمان نگهدارند. فراموش مکن که در خانهٔ ارباب مأموران جوان دونپایه و مردان متوسط حال بسیاریند و چه بسا که زنت را از تو بگیرند. برای اینکه چنین چیزی برایت پیش نیاید، همهٔ مالیات مقرر را پیش از پایان ماه یازدهم بده... تا به پیشیمانی ابدی نیفتی. وقتی که مالیاتهای سالانه را تمام پرداختی، برای سال تازه آماده شو. برنجی را که (پس از مالیات) برایت مانده است، شیرینی برنجی (موچی) درست کن، کمی «ساکه» (شراب برنج) بینداز، کمی ماهی نمک سود بخر، و سالی دیگر شادمانه زندگی کن، نوروز هنگامی است که باید با دیگران این سرود را بخوانی:

من به راه این سفر دراز بادبان می‌کشم باشد که ماه نیز با من همراه آید!
(تاریخ ژاپن، صفحه‌های ۵۵-۱۵۴)

همسران سامورایی

زنان امیران و رزمندگان وضعی بهتر از همسران کشاورزان و رعایا نداشتند. سرنوشت زنان این دوران براساسی تاریک بود. نمونهٔ تیره‌بختی، خواهر امیر «نوبوناگا» است که به مصلحت او همسر یک «دایمیو» (حکمران ایالت) شد. چندی بعد که شوهر این زن به مخالفت با «نوبوناگا» برخاست و کشته شد، او خواست که خود را بکشد، اما در این کار موفق نشد. پس با سه دخترش به خانهٔ «نوبوناگا» برگشت. پس از چندی او زن امیری دیگر به نام «شیبانا کاتسویبی» شد، اما این «دایمیو» نیز هدف هجوم «هیده یوشی» واقع شد و پس از کشتن زنش، خودکشی کرد. دختر بزرگ این زن، بنام «یودوگیمی»، محبوب «هیده یوشی» بود و معشوقهٔ او شد و برایش پسری آورد به نام «هیده یوری». هنگامیکه «هیده یوری» هدف حملهٔ «یه یاسو» واقع شد و خود را کشت، مادر نیز چنین کرد. دختر سوم آن زن سه بار به مصلحت «هیده یوشی» ازدواج کرد. آخرین شوهر او، به نام «توکو گاو» هیده تادا، «شوگون» فرمانروای دوم حکومت «توکو گاو» شد و این زن «شوگون» سوم، «یه می سو» را به دنیا آورد.

این زنان آزادی چندانی نداشتند و زندگی آنها در اطاعت از پدر، برادران و شوهرشان خلاصه می‌شد «هوسوکاوا گراسیا» دختر «آکه چی میتسو هیده»، که «نوبوناگا» را کشت، به آیین مسیح گرویده و همسر یک «دایمیو» به نام «هوسوکاوا تادا اوکی» بود. این سردار در حملهٔ «یه یاسو» به

شمال «هونشو»، پیش از نبرد «سه کی گاهارا»، از پیروان «یه یاسو» بود. «ایشیدا میتسوناری» خانواده آنها را گروگان گرفت و کوشید که «گراسیا» را به قصر «اوساکا» جابه جا کند، اما او خودداری ورزید زیرا که شوهرش به «یه یاسو» کمک می کرد. هنگامی که نیروهای «میتسوناری» خانه «گراسیا» را محاصره کردند، او ملازمانش را به جنگ با آنها واداشت و سپس خود را کشت، زیرا که می ترسید که اگر ملازمانش پایداری کنند، جنگی دامن دار درگیر شود. برای زنان، گرفتن هر تصمیمی بی اجازه شوهر ممنوع بود. این زن رنج بسیار دید زیرا که در میانه «تویوتومی» و «توکوگاوا» وضع حساسی داشت. همسران سامورایی ها می دانستند که باید یار و مطیع شوهر باشند، گرفتار آمدن به دست دشمن شوهرشان برای آنان ننگ بود. بسیاری از آنان در هنگام مرگ شوهر، در کشتن خود تردید نشان نمی دادند.

بدینسان، زنان سامورایی، جدا از اینکه با توارث منحصر پسر ارشد در نظام خانخانی که برای حفظ قدرت خاندان در جامعه پرکشاکش سامورایی ناگزیر بود، از حقوق خانه پدری محروم می شدند، در زندگی نیز وضع مطلوبی نداشتند و مردان، که علاقه عمده و در واقع منحصر آنها سلاح و رزم بود، توجهی به حالشان نمی نمودند. رزمندگان این دوره برای همسری خواستار زنانی بودند که از نظر اجتماعی و جسمی بتوانند فرزند پسر و وارث سالم و قوی به آنها بدهند.

بلندپایگان سامورایی معمولاً از دواج مردان سامورایی تابع خود را تعیین و تکلیف می کردند. امیران سعی داشتند که از دواج میان خانواده های سرداران و ملازمان خود را منع یا محدود کنند، مبادا که پیوند خانواده ها به اتحاد میان آنها و سرکشی بینجامد. از سوی دیگر، «دایمیو» ها زنان خانواده را به ازدواج مصلحتی برای هدفهای سیاسی خود وادار می ساختند. یکی از قربانیان این سیاست بازی، «اویچی» خواهر کوچک «اودانبوناگا» بود که از سرگذشتش یاد شد. (تاریخ ژاپن، صفحه های ۳۷-۱۳۶)

کارُن (Caron) می نویسد: «مردم این کشور، بخصوص زنانشان، با اطمینان و عزم عجیبی می میرند، بی آنکه کمترین احساس ناراحتی یا ضعف در آنها باشد....»

«در نظر بزرگان، امیران ولایات و سرداران و شاهزادگان، زن برای اینست که به مرد خدمت و ازو پرستاری کند، برای او فرزند بیاورد و کودکان را بزرگ کند. باز باید که زن از حسد و عواقب آن دوری جوید، و از... خون خواستن و جنگ بپرهیزد. اینها را (مردان) از راه تجربه و از گذشته، وقتی که زنانشان آزادی بیشتر داشته اند، دریافته اند، و نیز از رویدادهای فاجعه آمیز که در تاریخشان ثبت است... زنانشان بطور معمول صادق و وفادار و فروتن اند. نمونه ای می آورم:

«در یکی از ایالات مرد فرهیخته ای بود که زنی بسیار زیبا داشت. امیر آن ایالت پنهانی اسباب چید تا آن مرد را کشتند، و پس از چند روز زن را به قصر خود فراخواند. زن ناگزیر از اطاعت بود، اما چون می دانست که شوهرش را او کشته است، پاسخ داد که به خدمت و مصاحبت امیر افتخار دارد، اما اگر امیر در این وقت بخواهد به او نزدیک بشود خود را درجا خواهد کشت، و چنین دوست دارد

که بگذارند او سی روز عزاداری شوهر را به سرآورد و سپس امیر دوستان شوهر را مهمان کند و بزمی در ایوان بالای قصر خود بیاراید تا با این مراسم او از عزای شوهر درآید و جفت تازه را بپذیرد. امیر تعجب کرد، اما پذیرفت و پس از سی روز مجلس سروری چنان که زن خواسته بود ساخت. در لحظه‌ای که امیر از جوش باده و شور وصل به وجد آمده بود، زن ناگهان خود را از ایوان بلند قصر به زیر انداخت و کشت. (صفحه‌های ۲۳-۳۲)

نیز کارُن دربارهٔ ندیمگان امیران و بزرگان می‌نویسد: «خادمه‌های حرم چنان تربیت شده و بار آمده‌اند که نه سخنی می‌گویند و نه خنده می‌کنند، و فرامین را به اشارهٔ چشم درمی‌یابند... آنها از جوانسالی از خانواده‌های نجیب می‌آیند، و میانشان مراتبی است و درجاتی که با رنگ و زیور و آرایش لباسشان مشخص می‌شود. نشست و برخاست آنها آداب تمام دارد...» (همانجا)

جامعهٔ نوین ژاپن

رهبران تجدد ژاپن در آغاز دورهٔ میجی (سالهای ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲) با همهٔ دشواریها که در تدبیر الگوی سیاسی و اجتماعی کشور و تطبیق آمال آزادیخواهی با نیازهای روز و ارجحیت‌های جامعه داشتند، در کاربرد اصول و مبانی عدالت اجتماعی تند و قاطع عمل کردند. قوانین اجتماعی، خاصه پس از سال ۱۸۹۰ که به شیوهٔ غربی تنظیم شد، قائل به امتیازهای طبقاتی نبود. نخستین گامها برای تساوی حقوق زنان که در جامعهٔ ژاپن همیشه از منزلت نسبی برخوردار بودند، برداشته شد. پاره‌ای از دگرگونیهای اجتماعی به منظور رسیدن به اعتبار و ارجمندی در چشم غربی‌ها انجام گرفت و به ضرورت رفع بهانهٔ آنها و از میان برداشتن پیمانهای تحمیل‌شده به ژاپن بویژه مقررات قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون).

مهدیقلی هدایت، مخبر السلطنه، در یادداشتهای سفر ژاپن خود نوشته است: «اروپایی تعجب می‌کند که در شرق دختر به اختیار پدر و مادر است و مواصلت روی مناسبات، و آنچه بیشتر بنظرشان غریب می‌آید تقدم مرد است بر زن در ورود. از بس گفتند، ژاپنها در مجالس خارجه زن را جلو می‌اندازند که به خانمهای تربیت شده برنخورد.» (ص ۱۲۸) و، «زنهای محترم نه فقط رو می‌گرفته‌اند، بلکه مضایقه داشته‌اند که آواز آنها را نامحرم بشنود؛ منیژه منم دخت افراسیاب - برهنه ندیده تنم آفتاب. در ازدواج، اخلاق، نجابت و صحت محل توجه بوده و باز کمال و جمال را روا می‌داشتند، نور علی نور بوده است. مکننت را در درجهٔ دوم رعایت می‌کردند.

«دخترهای خانواده با پسرها هرگز وارد صحبت نمی‌شوند. (نسوان) نجبا تنها از خانه بیرون نمی‌روند.» «بسیاری از زنان ژاپنی پس از شوهر اول شوهر نمی‌کنند و آنرا عار می‌دانند.» (ص ۱۳۰) چمبرلن می‌نویسد: «اصول و عقاید کنفوسیوسی دربارهٔ تابع بودن زنان هنوز تا اندازهٔ زیاد پابرجاست. زنها البته خاموش و بی‌زبان، چنانکه در هند است، نیستند، اما عقیده بر این است که کار اصلی آنها در خانه نشستن و خانه‌داری است. اینست که گردش و دیدن هم رفتن خانمها هم بسیار

کمتراز آنست که در جامعه ما (انگلیس) رواج دارد و در واقع محور زندگی هر روزه بر آنست. (ص ۲۶)

نتیجه بررسی وزارت بهداشت و رفاه ژاپن که در ماه دسامبر ۱۹۹۴ اعلام شد نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد زنان بیش از سی ساله بر این عقیده‌اند که مادر در سالهای بارآمدن بچه فداکاری می‌کند و سهمی بیش از پدر در نگهداری خانواده دارد، پس رواست که شوهر هم در خانه‌داری و بارآوردن فرزند شرکت کند. با اینهمه، هنوز نیمی از زنان عقیده دارند که کار مرد در بیرون خانه است و کار زن خانه‌داری. فکر مردم ژاپن هنوز برنگهداشتن و دنبال کردن سنت در نظام خانه خانواده است و در چنین حال و هوا و زمینه‌ای، نهضت‌های حقوق زن و اعتلای وضع اجتماعی نسوان به شیوه باختری که گهگاه در ژاپن پیدا شده، پانگرفته است.

کلمه «اوکو ساما» و «اوکو گاتا»، که می‌توان برابر بانو و خاتون در فارسی گرفت و بانوان را پس از ازدواج چنین می‌خوانند، به این معنی است که زن پس از ازدواج در خانه بماند و در «اوکو» (خانه) کدبانویی کند. در ژاپن از قدیم این فکر بوده که کار مرد در بیرون است و کار زن در خانه. این فکر هنوز چندان تغییر نکرده است. رسوم اجتماعی و پایرجای دیگر، مانند گرفتن نام خانوادگی شوهر پس از ازدواج و اهمیتی که خانواده‌ها به فرزند پسر می‌دهند، نمودار سنت در نظام خانواده در ژاپن است.

به تازگی، در تابستان ۱۹۹۴، شورای تجدید نظر در قانون خانواده و مقررات احوال شخصیه در قانون مدنی اصلاحاتی را پیشنهاد کرد که برابر آن:

- سن قانونی ازدواج برای دختران که اکنون ۱۶ سال است مانند پسران ۱۸ سال خواهد شد.
- نام خانواده شوهر به زن تحمیل نشود، و یکی از سه ترتیب زیر قرار داده شود.
- الف - زن و شوهر نام جداگانه داشته باشند با یک نام واحد اختیاری (نام هر کدام آنها)،
- ب - زن و شوهر نام واحد داشته باشند با یک نام جداگانه اختیاری (نام هر کدام آنها)،
- پ - زن و شوهر هر کدام نام خود را نگهدارند.

برابر این طرح، مدت عده برای ازدواج مجدد که اکنون ۶ ماه است، سه ماه خواهد شد. با همه فشاری که ممکن است نظام قدیم خانواده به شماری از زنان در جامعه مقید و آداب‌گرای ژاپن وارد آورد، تردید نمی‌توان کرد که قوام و انسجام خانواده و جلالت زن در ژاپن بیش از بسیاری جامعه‌های غربی است که در آزادی زن به بیراه رفته‌اند.

منابع این مقاله

- چنین گفت بودا، ترجمه هاشم رجب‌زاده، توکیو، ۱۹۸۵ / ۱۳۶۴ (چاپ دوم).
- کینکو، تسوره زوره گو سا: گلستان ژاپنی، ترجمه هاشم رجب‌زاده، پژوهشگاه ۱۳۷۲.

- هاشم رجب‌زاده، تاریخ ژاپن، تهران، ۱۳۶۵.

- هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه)، سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن و

امریکا، تهران، ۱۳۲۴.

- Caro2a Francis & Schouten, Joost; Migty Kingdoms of Japan & Siam, London, 1935 (1663), PP.32-34.

- Chamberlain, Basil Hall; Japanese Things, Tokyo, 1971.

- The Man yoshu: A Complete Translation in 5-7 Rhythm; Teruo Saga (tr.), Tokyo Kanda University of International Studies, 1991, PP. 409-II.

- Sansom, George B.; Early Japanese Law and Administration, Parts I and II, in: TASJ, 2nd ser., vol. I (1932) and vol. 2 (1934), PP. 134-49.



«لی‌پو» شاعر چینی

بسیاری از ادیبان و شاعران ژاپن دلبسته لی‌پو شاعر چینی‌اند و شیوه او را دنبال کرده‌اند. در شرح حال این سراینده نغزگوی پراحساس در دائرةالمعارف فارسی آمده است:

«لی‌پو Li Po یا لی‌تای پو Li Tai Po، حدود ۷۰۰ تا ۷۶۲م، شاعر چینی عهد سلسله‌ی تانگ، که به عقیده بسیاری عالیترین مقام را در شعر دارد؛ متولد ایالت سچوان کنونی، بیشتر محققین بر آنند که از پیروان مذهب تائو بود، ولی بی‌اعتنایی وی به مقامات دنیوی و عشق او به انزوا و دریدری مبین پیروی از این مذهب و از رمانتیسیم لطیف شعرای چینی است. وی در آغاز مورد توجه دربار بود ولی سپس مطرود شد. اگرچه مردی فقیر و بی‌خانمان بود، مانند گذشته عمر را به خوشدلی و میگساری گذرانید. در باره مرگ او روایت کرده‌اند که در هنگام مستی خواست عکس خود را که در پرتو مهتاب در رودخانه افتاده بود بیوسد، و در آب افتاد و خفه شد.

لی‌پو شاعری فوق‌العاده بارآور و اشعارش روان بود. کوششی در گردآوری اشعار خود نداشت، و بیشتر آنها از میان رفته است. قریب ۲۰۰۰ منظومه وی که در چاپ ۱۰۸۰ آمده است ظاهراً فقط یک دهم اشعار اوست. موضوع اشعار وی غم جدایی عشاق در راه انجام وظیفه، زیبایی مناظر کوهها و رودها، و رهایی از اندوه در پناه شراب است» (مصاحب، دائرةالمعارف، فارسی).